

اخلاق و عرفان اسلامی

استاد محمّدتقی مصباح

چکیده

از جمله اوصاف بندگان شایسته خدای متعالی، عدم وابستگی به شهوات و لذایذ مادی زودگذر دنیایی است. هرچند مؤمنان نیز همچون سایر انسان‌ها برای ادامه حیات و زنده ماندن، نیازمند بهره‌گیری از خواست‌ها و لذایذ دنیوی هستند، اما هیچ‌گاه ایشان، دلبستگی به مقام دنیا نداشته، آن را مقدمه و وسیله قرب خویش به رضوان الهی می‌دانند.

آنچه در آموزه‌های دینی نکوهیده شده است نه اصل بهره‌گیری از شهوات و لذایذ مادی، بلکه دوستی، وابستگی و هدف قرار گرفتن آنهاست. اصل بهره‌گیری از شهوات و لذات مادی و دنیوی و... توسط مؤمنان و آن را مقدمه سعادت، کمال و تعالی خویش قرار دادن، امری شایسته و پسندیده است. این مقال، به تفصیل به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شهوات، لذایذ مادی، نعمت‌های مادی، وابستگی دنیا، قرب الهی.

دلدادگان خدا و رهیذگان از دام شهوات

قرار داده است. بر این اساس، وقتی نیاز گرسنگی در ما پدید می‌آید، میل و اشتها به غذا رخ می‌نمایاند. با این وصف تمایل و میل داشتن، خودبه‌خود، در قلمرو اخلاق قرار نمی‌گیرد و به «خوب» یا «بد» اخلاقی متصف نمی‌شود و ارزش یا ضد ارزش به شمار نمی‌آید.

همان‌گونه که میل و تمایل داشتن در دنیا، امری تکوینی برای انسان به شمار می‌آید. در بهشت نیز میل به لذت‌ها و نعمت‌های بهشتی مطرح است. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ (۳) و در آنجا آنچه دل‌ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید هست و شما در آن جاودانید.

آیه‌ای دیگر درباره بخشی از نعمت‌های بهشت و تمایل بهشتیان بدان‌ها و لذت جویی ایشان از آن نعمت‌ها می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى...﴾؛ (۴) وصف آن بهشتی که پرهیزگاران را وعده داده‌اند این است که در آن رودهایی است از آبی دگرگون نشدنی (نگندد و بوی و مزه آن برنگردد) و رودهایی از شیرینی که مزه‌اش برنگردد و رودهایی از باده‌ای که لذت‌بخش آشامندگان است و رودهایی از عسل ناب.

ب. کاربرد تشریحی شهوت و مصادیق نکوهیده آن

در قرآن

عرف، اغلب شهوت را درباره غرایز و امیال جسمانی، نظیر غریزه جنسی و میل به غذا به کار می‌برد، و از این واژه برای تعبیر از امیال معنوی، نظیر میل به مناجات با خدا، استفاده نمی‌کند و مثلاً نمی‌گوید «شهوت مناجات».

«قَدْ خَلَعَ سَرَائِيلَ الشَّهَوَاتِ وَ تَخَلَّى مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ»؛ (۱) پیراهن شهوت را از تن بیرون کرده و به جز یک غم که تنها غم اوست، از هر اندوهی خویشتن را تهی ساخته است.

مفهوم و کاربردهای شهوت

امام علی علیه السلام در این عبارت نورانی، شهوت را به پیراهن تشبیه کرده‌اند و پرداختن به شهوات را بسان پوشیدن آن دانسته‌اند؛ و سپس در وصف دوستان برگزیده خداوند فرموده‌اند: «پیراهن شهوت را از تن به در آورده‌اند.» اما آیا چنان‌که پیروان برخی ادیان تحریف‌شده پیشین و پاره‌ای از فرقه‌های اسلامی معتقدند، لذت‌ها و شهوات دنیا به کلی پلید و منفورند؟ و کسی که می‌خواهد در راه خدا گام بردارد باید همه آنها را کنار نهد؟ یا آنکه حضرت از پوشیدن لباس شهوت منظور دیگری دارند؟ نظیر این پرسش را در آغاز خطبه، درباره استوار شدن لباس ترس و اندوه بر قامت دوستان خدا، مطرح کردیم. اکنون نیز با بررسی معنای لغوی و اصطلاحی شهوت و کاربردهای آن، منظور حضرت و پاسخ پرسش فوق روشن خواهد گشت.

«شهوت» در لغت هم در مقام اسم و به معنای «درخواست نفس آنچه را موافق میل است» آمده، که جمع آن «شهوات» است، و هم در مقام مصدر و به معنای تمایل و میل داشتن. (۲) «اشتهاء» نیز که مصدر باب افتعال است و از شهوت اشتقاق یافته، به معنای تمایل، میل داشتن است.

الف. کاربرد تکوینی شهوت

اصل تمایل و میل، که در معنای لغوی شهوت نهفته است، امری طبیعی و تکوینی است که خداوند در نهاد انسان

غفلت از مقصد ابدی و نهایی است؛ وگرنه گرایش و میل به لذت‌های دنیا، کششی طبیعی و غریزی است که از بستر آن انسان به تأمین نیازهای ضروری خود می‌پردازد.

وقتی انسان گرسنه شود و نیاز به غذا در او پدید آید، به صورت طبیعی و غریزی، میل به غذا برای رفع گرسنگی در او پدید می‌آید. همچنین وقتی نیاز جنسی یا سایر نیازها در انسان برانگیخته می‌شود، غریزه خاصی وی را به سوی آن نیازها می‌کشاند. به دیگر سخن، تمایل به لذت‌های دنیوی، خود نه تنها نکوهیده نیست، بلکه چون زمینه تأمین نیازهای ضروری دنیوی را فراهم می‌آورد و موجب فراهم آمدن امکان تداوم حیات، سلامتی، آمادگی برای انجام تکالیف الهی و دست‌یابی به مقصد اصلی می‌شود، پسندیده و ارزشمند است. آنچه مهم و مورد نظر خداوند است، ترجیح ندادن لذت‌های زوال‌پذیر دنیا بر لذت‌های پایدار آخرت است. از این‌رو، خداوند برای بیان تقدم و برتری نعمت‌ها و لذت‌های آخرت بر دنیا، در آیه بعد لذت‌های اخروی را وصف می‌کند تا انسان‌های مؤمن، حسابگر و هوشمند به مقایسه آنها با لذت‌های فانی دنیا بپردازند و وقتی دریافتند که نسبت دنیا و لذت‌های آن با آخرت و لذت‌های آن، نسبت محدود با نامحدود و متناهی با نامتناهی است، دل از دنیا و لذت‌های آن برکنند و تنها دلبسته خداوند و رضوان او شوند: ﴿قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ (۷) بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای تقوا پیشگان نزد خداوند باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است. در آن جاودانه بمانند و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند] و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست.

در این کاربرد، شهوت و میل در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرد و بر حسب متعلق و انگیزه و محرک آن، می‌تواند ارزش یا ضدارزش به شمار آید. در پنج آیه قرآن، واژه «شهوت» و جمع آن «شهووات» در موارد نکوهیده به کار رفته است:

۱. ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ﴾؛ (۵)

هر آینه شما از روی شهوت به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید.

۲. همین عبارت تنها با اضافه همزه استفهام در آغاز آن و در قالب جمله‌ای استفهامی در آیه ۵۵ سوره نمل تکرار شده است.

۳. ﴿زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ﴾؛ (۶) دوستی خواستنی‌ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده است، [لیکن] اینها برخورداري زندگی این جهانی است، و سرانجام نیک نزد خداست.

در این آیه، دلبستگی به لذت‌ها و خواسته‌های دنیوی و آراستنی خود بدان‌ها نکوهش شده است؛ زیرا دلبستگی به دنیا و لذت‌های آن موجب می‌شود که انسان تمام همت و تلاش خود را صرف متاع ناچیز دنیا سازد و به جای پرداختن به آخرت، که مقصد اصلی است، متاع دنیا را که تنها وسیله‌ای برای رسیدن به رضوان و قرب الهی است، مقصد و تأمین‌کننده نیازهای برین و کمال خویش بپندارد و در نتیجه، از رسیدن به مقصد اصلی و سعادت ابدی خویش باز ماند. پس آنچه خداوند نکوهیده است، دلبستگی و اصالت دادن به لذت‌ها و خواستنی‌های دنیا و

و عبادت او عشق می‌ورزیدند و چنان جذبه انس با معبود و شنیدن کلام او آنان را به وجد می‌آورد که با شنیدن سخنان خداوند، اشک از چشمانشان جاری می‌شد و به سجده می‌افتادند. اما نسل دوم از معنویات و کمالات والای انسانی بی‌بهره، و به زشتی‌ها و پلیدی‌ها آلوده بودند. خداوند از شمار ویژگی‌های ناپسند این نسل، بر دو ویژگی تأکید می‌ورزد: یکی بی‌اعتنایی به نماز و مناجات با خداوند، و دیگری پیروی از خواهش‌های دل. بین این دو حالت و دو ویژگی تلازم و ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. هر قدر توجه انسان به شهوات و خواهش‌های دل بیشتر شود، بی‌اعتنایی او به نماز و مناجات با خدا افزون می‌گردد و از نشاط او برای عبادت کاسته می‌شود. در مقابل، هر قدر از شهوات و خواهش‌های دل دور شود، آمادگی او برای درک مناجات با خدا و پرداختن به عبادت بیشتر می‌گردد. فرجام آن دو ویژگی ناپسند، گمراهی و بی‌بهره گشتن از هدایت خداوند است. شخص گمراه و اسیر وسوسه‌های شیطان، دیوانه‌وار به رفتاری دست می‌زند که با منطق عقل قابل توجیه نیست. وی سرمایه، عمر و بالاتر از همه آخرتش را در ازای رسیدن به خواهش‌های پوچ و بی‌مقدار دل از کف می‌دهد که اگر به درستی در رفتار خویش اندیشه کند، درمی‌یابد که چه زیان بزرگ و جبران‌ناپذیری بر او وارد شده است. این غفلت و بی‌توجهی به رفتار ناشایست و فرجام خسارت‌بار آن ناشی از آن است که شخص گمراه، دل در گرو پیروی از شیطان نهاده است و شیطان بر اندیشه و رفتار او تسلط یافته و فرصت اندیشیدن را از او گرفته است. به تعبیر دیگر، شخص گمراه چون مرکبی است که عقل، شعور و اختیار خویش را به سوار خود یعنی شیطان سپرده است و از پی فرمان او به حرکت

بنابراین، روشن شد آنچه خداوند نکوهش کرده، صرف بهره‌برداری از شهوات نیست، بلکه دوستی شهوات و خواستنی‌های دنیا و دل بستن به آنهاست. این دل بستگی در نتیجه وسوسه‌های شیطانی پدید می‌آید. شیطان برای اینکه مردم را از خداوند و نعمت‌های پایدار آخرت غافل سازد، نعمت‌ها و لذت‌های حقیر دنیا را در نظر آنان بزرگ جلوه می‌دهد و می‌آراید. در نتیجه، انسان برای رسیدن به برخی لذت‌های دنیوی، وقت و سرمایه زیادی صرف می‌کند. اما وقتی به آنها رسید درمی‌یابد که ارزش سرمایه‌ای را که برای آن صرف کرده نداشته، و در دام فریب شیطان گرفتار آمده است. وسوسه‌های شیطانی قدرت محاسبه صحیح و تعقل را از انسان می‌ستانند و موجب می‌شوند انسان به ارزش و اهمیت لذتی که در پی آن است نیندیشد، و در نتیجه سرمایه بسیاری را برای رسیدن به لذتی اندک از دست بدهد و وقتی به آن لذت رسید، درمی‌یابد که فریب خورده است. اما شگفت آنکه پند نمی‌گیرد و باز در روز و فرصتی دیگر همان رفتار از او سر می‌زند و هر بار داغ فریب شیطان و پشیمانی بر پیشانی او می‌نشیند.

۴. خداوند پس از بیان ویژگی‌های متعالی انبیا و اولیای خویش می‌فرماید: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَاً﴾؛ (۸) آن‌گاه از پی ایشان جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را فرو گذاشتند (در آن سهل‌انگاری کردند) و از خواستنی‌ها [و خواهش‌های دل] پیروی کردند، پس به زودی [سزای] گمراهی خود را ببینند.

بر اساس سخن خداوند، دو نسل از پی هم و با ویژگی‌های کاملاً متفاوت در زمین زندگی کرده‌اند: نسل اول، انبیا و اولیای خاص الهی بودند که به مناجات با خدا

بدان دل نمی‌سپارند. البته، این نه بدان معناست که لذت و بهره بردن از نعمت‌های دنیا بکلی مذموم و ممنوع است و انسان باید از جامعه و لذت‌های دنیا دوری گزیند. متأسفانه برخی با سوءاستفاده یا سوءبرداشت از این سخنان، موجب انحراف دیگران می‌شوند.

بهره بردن از لذت‌ها و نعمت‌های دنیا نه فقط ممنوع و نکوهیده نیست، بلکه در مواردی واجب نیز هست. اساساً خداوند از سر حکمت خویش نعمت‌های دنیا را آفریده تا انسان برای تأمین نیازها و رسیدن به مقاصد خویش از آنها استفاده کند. همچنین خداوند در استفاده از آن نعمت‌ها لذت‌های فراوانی قرار داده است؛ زیرا اگر انسان از آنها لذتی نمی‌برد، سراغشان نمی‌رفت، و در نتیجه، زندگی فردی و اجتماعی‌اش مختل می‌گشت. انسان باید در این دنیا زندگی کند و باید به درستی از ابزارهایی که تداوم حیات او را تسهیل می‌کنند بهره برد: او باید غذا بخورد؛ زیرا در غیر این صورت مریض می‌شود و سلامتی خود را از دست می‌دهد. او باید از غریزه جنسی استفاده کند؛ چه در غیر این صورت نسل او منقرض می‌شود. خداوند انسان را آفریده که در این دنیا رشد و ترقی کند و از جمله تولیدمثل داشته باشد تا نسل انسان‌ها افزایش و تداوم یابد. اما باید توجه داشت که انسان باید از دنیا و نعمت‌های آن به منزله ابزار و وسیله برای رسیدن به مقاصد و اهداف متعالی خویش استفاده کند و آنها را اصیل نپندارد. آنچه نکوهیده است و مصداق دنیای نکوهیده و به اصطلاح قرآن «متاع الغرور» به شمار می‌آید، نگاه استقلال‌ی به دنیا و لذت‌های آن و هدف دانستن آنها و دلبستگی و تعلق خاطر داشتن به آنهاست که در برخی از آیات قرآن مذمت شده است. برای نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ

درمی‌آید و با خیالی موهوم مشغول کامجویی و لذت بردن از دنیا و جلوه‌های آن می‌شود؛ اما دیری نمی‌پاید که پرده‌ها کنار می‌روند و حقایق آشکار می‌شوند و او می‌فهمد که در ازای محروم شدن از رضوان خدا و نعمت‌های ابدی، دستاوردی جز جلب رضایت شیطان و پشیمانی ابدی نداشته است. خداوند دربارهٔ ویژگی و فرجام کسانی که عنان اختیار خویش را به شیطان می‌سپرنند، می‌فرماید: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾؛^(۹) همانا تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر گمراهان که تو را پیروی کنند. همانا دوزخ وعده‌گاه همه آنهاست.

۵. ﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾؛^(۱۰) و خدا می‌خواهد که [به مهر و بخشایش خویش] بر شما بازگردد [و شما را از کارهای ناپسند توبه دهد] و کسانی که از خواستنی‌ها [و آرزوهای دل] پیروی می‌کنند می‌خواهند که به کجروی و لغزش بزرگ افتید.

ضرورت بازشناسی دنیای نکوهیده از دنیای مطلوب بنابر آنچه گذشت، مراد حضرت از اینکه بندگان محبوب و شایسته خدا پیراهن شهوات را از تن درآورده‌اند، این است که دلبستگی و تعلق خاطر به لذت‌های دنیا به مثابه پیراهنی است که شیطان بر تن انسان می‌پوشاند و مادام که انسان تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی است، این پیراهن از تن او بیرون نمی‌آید و توجه به دنیا و لذت‌های آن پیوسته فکر و ذهن وی را به خود مشغول می‌دارد. پس آنچه نکوهیده است، دلبستگی به لذت‌های دنیاست و اولیای خدا چون از حقیقت دنیا و لذت‌های آن آگاهند،

نمی‌باشد، بلکه همه آن ناراحتی‌ها، غصه‌ها و افسردگی‌ها با امور دنیا ارتباط دارند. چه کسانی که از لذت‌ها و نعمت‌های دنیا بهره‌مندند و چه کسانی که از آنها بی‌بهره‌اند. توجه به دنیا و لذت‌های آن چنان بر دلشان سایه افکنده و فکرشان را به خود مشغول ساخته که نمی‌توانند لحظه‌ای به خود آیند و خویش را از دام دنیا و ناراحتی‌های آن برهانند.

کسانی که از نعمت‌ها و لذت‌های دنیا برخوردار شده‌اند و گمان می‌کنند چیزی به دست آورده‌اند، توجه ندارند که در برابر آنچه به دست آورده‌اند آسایش و آرامش خویش را از دست داده و مشکلات و ناراحتی‌های فراوانی را متحمل گشته‌اند، و چه بسا برای رسیدن به آنها دست به خیانت نیز زده باشند. حال اگر ناراحتی‌ها و سختی‌هایی را که برای رسیدن به لذتی دنیوی کشیده‌اند، با لذتی که دستاورد آنان است بسنجند، درمی‌یابند بهای گزافی برای رسیدن به آن لذت پرداخته‌اند که ارزش آن لذت در برابر آن همه سختی ناچیز است. پس برخورداری از لذت‌های بیشتر بر خوشی‌ها و آرامش انسان نمی‌افزاید، بلکه از آنها می‌کاهد. اوضاع و شرایطی که امروزه در کشورهای پیشرفته حاکم است، این ادعا را تأیید می‌کند. امروزه در کشوری که بیشترین امکانات زندگی فراهم است و مردم آن از نعمت‌ها و لذت‌هایی برخوردارند که دیگران به کلی از آنها بی‌خبرند، بیشترین داروهای روانی تولید و مصرف می‌شود و بیشتر داروهای تولیدی، داروهای روانی است. همچنین از بیشترین روان‌پزشکان، روان‌کاوان و کلینیک‌های روانی برخوردارند و مجهزترین بیمارستان‌ها به بیماران روانی اختصاص دارد. حال اگر لذت‌های دنیا موجب راحتی و آسایش انسان است، چرا در کشوری که

وَزِينَةَ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاتُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛^(۱۱) بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و آرایش و فخر کردن با یکدیگر و نازیدن [یا افزون‌طلبی] در مال‌ها و فرزندان است. همچون بارانی که گیاه رویانیدنش کشاورزان را خوش آید و به شگفت آرد، پس پژمرده شود و آن را زرد بینی و آن‌گاه خشک و شکسته و خرد گردد و در آن جهان [کافران را] عذابی سخت و [مؤمنان را] آمرزشی از جانب خدا و خشنودی اوست؛ و زندگی این جهان جز کالای فریبنده نیست.

همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛^(۱۲) این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. ای کاش می‌دانستند.

بازتاب منفی دلبستگی به دنیا در روان و رفتار انسان کسی که به شهوات و لذت‌های دنیا دلبستگی ندارد و خود را اسیر آنها قرار نداده است، در حدی که عقل لازم می‌داند و شرع برای او تجویز کرده است، از نعمت‌ها و لذت‌های دنیا بهره می‌برد و خود را فارغ از غم و اهتمام به دنیا ساخته است. به جرئت می‌توان گفت که ریشه و خاستگاه همه ناراحتی‌ها، غصه‌ها و افسردگی‌ها در اغلب افراد، بی‌بهرگی یا محروم گشتن از لذت‌ها و نعمت‌های دنیوی است. تحقیقات روان‌شناسان و معاینات روان‌کاوان دربارهٔ اغلب مردم نشان می‌دهد که علاقه به خدا و آخرت در شمار عوامل ناراحتی‌ها و افسردگی‌ها

این حرکت و مقصد خویش آگاهی داشته باشند، ممکن نیست اهتمام و دغدغه رسیدن به مقصد در آنان نباشد؛ زیرا بدون اهتمام و دغدغه رسیدن به مقصد و هدف، انسان از حرکت باز می‌ایستد. تنبلی و راحت‌طلبی و عدم تکاپو برای تأمین توشه و وسایل سفر، انسان را از حرکت به سوی مقصد نهایی، که همان لقای الهی است، باز می‌دارد. بر این اساس، بندگان محبوب خدا که هوای رسیدن به محبوب را در سر دارند، دغدغه و اهتمامشان تنها مصروف مقصد نهایی و رسیدن به لقای معبود است و باور دارند که سراسر زندگی‌شان تکاپو در مسیر رسیدن به اوست: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾؛^(۱۳) ای انسان، همانا که توبه سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.

خداوند متعال در شب معراج به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «يَا أَحْمَدُ، اجْعَلْ هَمَّكَ هَمًّا وَاحِدًا فَاجْعَلْ لِسَانَكَ لِسَانًا وَاحِدًا وَاجْعَلْ بَدَنَكَ حَيًّا لَا تَغْفُلُ أَبَدًا مَنْ يَغْفُلُ لَا يُبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ»؛^(۱۴) ای احمد، هم و غمت را متوجه یک چیز ساز و زبانت را یکسان قرار بده؛ بدنت را زنده بدار و هرگز غافل مباش. کسی که از من غافل گردد، برایم مهم نیست که به کدام وادی هلاکت در افتد.

کسی که فقط به مقصد نهایی می‌اندیشد، به غیر خداوند توجهی ندارد و هم و غم دنیا برای او بی‌ارزش است. او دل را از این امور تهی ساخته است؛ چون آنها را مانع رسیدن به مقصد نهایی خود می‌داند. او نگران است که کوتاهی‌هایش وی را از مقصد باز دارد یا دست‌کم وقفه‌ای در رسیدن به مقصد ایجاد کند. اما وقتی به سلامت به مقصد نهایی رسید و خود را در آستانه رضوان حق دید، یکباره همه نگرانی‌ها از دلش خارج می‌شود و سبکبار و سرشار از سرور و شادمانی قدم در بهشت خدا

چنین امکانات گسترده‌ای برای زندگی و لذت‌جویی دارد، آمار افسردگی‌ها و بیماری‌های روانی تا این میزان بالاست؟ اما در برابر، در گوشه و کنار کشور خودمان افرادی هستند که از امکانات محدودی برخوردارند، ولی چون به دنیا تعلق خاطر ندارند، سرزنده و با نشاطند و از زندگی ساده خود لذت می‌برند و محبت خداوند کانون دلشان را گرم و باطراوت نگاه داشته است و خداوند را به پاس نعمت‌هایی که به آنها داده پی‌درپی شکر می‌گویند.

اولیای خدا و توجه کامل به معبود

چنان‌که گذشت، انسان نمی‌باید فریفته دنیا شود و تمام هم و غم خویش را صرف رسیدن به لذت‌های آن کند. بی‌شک دلبستگی به دنیا و توجه افراطی به شهوات و لذت‌های آن انسان را حقیر و خوار می‌سازد، و بالاتر از آن، انسان را از خدا دور می‌سازد؛ زیرا هر قدر لذت‌جویی و توجه به شهوات بیشتر شود، از ارتباط انسان با خدا و توجه و اهتمام او به آخرت کاسته می‌گردد. بر اساس تجربه‌ای که ما از زندگی خود داریم، هر قدر میل به شهوات و لذت‌های حلال بیشتر شود، از حال و نشاط فرد برای نماز، انس با خدا و مناجات با او کاسته می‌شود. از این رو، حضرت فارغ بودن از غم دنیا و لذت‌های آن و اهتمام به ارتباط با خدا و آخرت را از زمره ویژگی‌های دوستان خدا می‌دانند: «وَ تَخَلَّىٰ مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ»؛ و جز یک غم که تنها غم اوست، از هر اندوهی خویشتن را تهی ساخته است.

بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف و مقصد نهایی انسان الله است، که انسان به سوی او ره می‌پوید و سراسر زندگی‌اش، در حوزه رفتار اختیاری و تشریحی، سیر تکوینی و سیر تشریحی به سوی خداست و اگر کسانی به

می‌نهد و به پاداش استقامت و پایداری در مسیر خداوند دست می‌یابد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾؛ (۱۵)

همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست، و آن‌گاه [بر آن] پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود آیند [و گویند] که مترسید و اندوه مخورید و شما را مرزده باد به آن بهشتی که نوید داده می‌شدید. ما در زندگانی این جهان و در آن جهان دوستان شمایم و شما راست در آن جهان آنچه جان‌های شما خواهش کند و شما راست در آن هرچه درخواست کنید.

..... پی‌نوشت‌ها

- ۱- نهج البلاغه، ج ۸۷.
- ۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۶۸.
- ۳- زخرف: ۷۱.
- ۴- محمد: ۱۵.
- ۵- اعراف: ۸۱.
- ۶- آل عمران: ۱۴.
- ۷- اعراف: ۱۵.
- ۸- مریم: ۵۹.
- ۹- حجر: ۴۲-۴۳.
- ۱۰- نساء: ۲۷.
- ۱۱- حدید: ۲۰.
- ۱۲- عنکبوت: ۶۴.
- ۱۳- انشقاق: ۶.
- ۱۴- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ب ۲، ص ۲۹، ح ۶.
- ۱۵- فصلت: ۳۰-۳۱.